

سیاه را با هم می بینند و امکان اصلاح وضع در چهارچوب‌های فعلی را در دسترس می‌دانند.

نقاط هشداروضع فعلی

از نگاه‌دهسته‌سوم وضعیت خطرکنونی دارای تهدیدهای زیراست:

۱- فشردگی ، تکثر و چندبعدی بودن مشکلات

وضعیت بین المللی و شدت گرفتن جنگ ترکیبی علیه هویت ایران از یک‌سو و ضعف‌های کارکردی در حکمرانی ازسوی‌دیگر سبب شده در نقطه‌ای قرار داشته باشیم که مسالت به شکل ویژه‌ای چندبعدی، متکثر و فشرده باشند. چنین تجربه‌ای شاید در سابقه تاریخی انقلاب اسلامی کم‌سابقه است.

۲- افزایش شیب سرعت و عمق وقوع وقایع منفی

از سال ۱۳۹۶ و اعتراضات اقتصادی آن سال تا آبان ماه سال ۱۳۹۸ و سپس وقایع سال ۱۴۰۱ و حالا آنچه در دی‌ماه امسال شاهد بوده‌ایم خبر از تعمیق نارضایتی و افزایش شیب وقوع آن می‌دهند. هر کدام از این اتفاقات سبب ایجاد فرسایش در نظام حکمرانی کشور شده و می‌شود و تکثر و استمرار آن بخش‌هایی از جامعه را ترومانیزه می‌کند.

۳- سندروم بی تصمیمی

تعمیق نارضایتی، وجود منافع گروه‌های ذی‌ربط، نابدلی و ناپختگی برخی مسئولان، نداشتن تئوری منسجم حکمرانی و... سبب‌شده در دوره‌ای که نیاز به اتخاذ و اجرای تصمیمات پخته، قاطع و مؤثر داریم تصویر بی‌تصمیمی از بخش‌هایی از حکمرانی ساخته شود.

۴- تشدید دو جامعگی و فرسودگی سرمایه اجتماعی

هر کنش اعتراضی علاوه بر آنکه موجب استهلاک تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور می‌شود، به ظهور و تقویت دوقطبی‌ها در جامعه نیز دامن می‌زند. تکثر چالش‌های قطبی‌ساز پس از مدتی منجر به دو جامعگی می‌شود؛ دو جامعه‌ای که ممکن است سبک زندگی کاملاً متفاوت، رژیم رسانه‌ای جدا از هم و نظام ترجیحات فرهنگی و سیاسی ۱۸۰ درجه متفاوت داشته باشند. در چنین شرایطی فرسایش سرمایه اجتماعی رخ می‌دهد و به‌جای آنکه با یک روایت ملی و واحد از تعالی و توسعه جامعه رشد کند، عموماًدوگیر جدال‌های بی‌پایان، ناولویت‌دار، دوقطبی‌ساز ومخرب می‌شود.

۵- حذف تدریجی طبقه متوسط اجتماعی

در مطالعات معتبر بین‌المللی ^۵ وجود یک طبقه متوسط بزرگ، ضربه‌گیر و مهارکننده اصلی رادیکالیسم در فرایند توسعه دموکراتیک است. از یک‌سو تشدید وضعیت منفی اقتصادی عملاً سبب سوق‌دادن طبقه متوسط ایران به سمت دهک‌های پایین اقتصادی شده است و ازسوی‌دیگر نامسلنه‌شدن فرهنگ موجب شده خصلت دموکراتیک این طبقه کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شود. به استناد آمارها بین تضعیف طبقه متوسط و آغاز اعتراض‌های رادیکال از دی‌ماه ۱۳۹۶ رابطه مستقیمی وجود دارد.

۶- سرعت بالای تحولات بین‌المللی

تغییرات بین‌المللی هم در حوزه منطقه‌ای و هم در سطح فرامنطقه‌ای به‌قدری سریع است که با دستگاه‌های محاسباتی عموماً قدیمی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ایرانی قابل تطابق نیست. درهم‌تبدیه‌شدن مسئله امنیت واقتصاد، یکی‌شدن تغییرات فرهنگی با دگردیسی‌های ارتباطی‌ها و تکنولوژیک کمتر در محاسبات‌ماورادمی‌شود، تغییر نقشه‌قدرت در جهان همان‌قدر که می‌تواند برای ما فرصت تولید کند اگر منتج به بازارآرایی آرایش ما شود تهدید نهفته هم دارد.

۷- ادراک پراساخته غرب از وضعیت ایران

روند ۱۰ سال اخیر خصوصاً آنچه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رخ داد، موجب ارائه تصویری تازه از ایران در ذهن بخش‌هایی از محافل تصمیم‌ساز غرب شده است، ایران نه چندان قوی ادراک آن‌ها از وضعیت کنونی است. در سایه چنین ادراکی است که انتخاب گزینه‌های پریسک، روی میز برخی سیاست‌وزران غربی قرار گرفته است. تولید قدرت معتبر نرم‌افزاری و البته سخت‌افزاری مهم‌ترین مسیر برهم‌زدن این فهم و محاسبات است.

۸- سندروم مارپیچ سقوط تصمیم‌سازان

نت‌نشین شدن وضعیت بن‌بست در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و بروز مرگی افتادن برخی مسئولان که به‌غلط در ادبیات «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» گاهی اوقات ظهور و بروز پیدا می‌کند، بخشی از سندروم مارپیچ سقوط ذهنی است. چنین مسئولانی با باید ذهنیت خود را عوض کنند یا باید تعویض شوند.

فرصت‌های وضع فعلی

از کران تا به کران لشکر کُتر است ولی/ از ازل تا به ابد فرصت درویشان است؛ در کنار تهدیدهای موجود فرصت‌های کم‌نظیر فراوانی هم وجود دارد.

۱- ذخیره تمدنی ایرانی اسلامی

تمدن ایرانی اسلامی همان چیزی است که از مغولان وحشی، زاهد و عابد و دانشمند ساخت، همان چیزی است که در جنگ ۱۲ روزه و روزهای پس از آن ظهور و بروز یافت و نگذاشت ایده تجزیه ایران به ثمر بنشیند. ایران تاریخی مشحون از اسطوره‌های پهلوانی و خردورز است. میهن‌دوستی و دین‌مداری عناصر هویتی مؤکدشده در ضمیر ایرانیان هستند. نرم‌افزار تمدن ایرانی مهم‌ترین ذخیره برای اصلاح حکمرانی و حفظ و توسعه کشور است.

۲- نگاه راهبردی رهبر انقلاب

رهبر انقلاب هم به لحاظ جایگاه قانونی به‌مثابه تنظیم‌کننده افق ملی و هم به لحاظ شخصیت پخته فردی آیت‌الله خامنه‌ای یک فرصت بزرگ در شرایط فعلی است. نحوه ورود ایشان به بحران‌های وقایع اخیر تنها از فردی بر می‌آید که بیش از ۵۰ سال سیاست‌ورزی کرده و بالا و پایین دنیا را دیده است. شخصیت انفعال‌ناپذیر و درعین حال واقع‌گرای ایشان به‌مثابه نخ تسبیح اصلاح حکمرانی در ایران حائز اهمیت فراوان است.

۳- تثبیت نهادهی حکمرانی پس از ۴۷ سال

نهادهای بوروکراتیک کشور با وجود همه نقدها نزدیک به نیم‌قرن است که تثبیت شده و چنین نهادهایی در روزهای بحران فراتر از بود یا نبود کارگزاران کار می‌کنند. این ظرفیت سخت‌افزاری با وجود آسیب‌پذیری‌بودن اما همچنان یک مؤلفه تولید اقتدار و زمینه اصلاح است.

۴- داشتن هسته سخت پرتعداد و بالانگیزه

یکی از رؤسای کشورهای مهم همسایه و بین‌المللی در خصوص وقایع اخیر و عدم اقدام فوری آمریکا علیه ایران با وجود وعده‌وعبد به هسته‌های فعال در خیابان، گفته است آنچه مؤثر افتاد جمع‌شدن سریع کف خیابان و حضور میدانی مردم در ۲۲ دی ۱۴۰۴ بود. وجود بدنه حامی پرانگیزه و پرتعداد با علایق و سلاویک گوناگون کار به‌هم‌زدن امنیت پایدار ایران در درازمدت را برای دشمن سخت کرده است. همین بدنه به‌شرط گرگوگان گرفته نشدن توسط سیاست‌مداران دوقطبی‌زی و رادیکال، به‌مثابه هسته پشیران اصلاح حکمرانی می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

۵- نهادینه‌شدن صندوق رای و دموکراسی در کشور

در شرایطی که غیر از یکی دو کشور در منطقه تقریباً هیچ دموکراسی نیم‌پندی وجود ندارد، نهادینه‌شدن فرایندهای دموکراتیک در ایران علی‌رغم همه فرازا و فرودهایش، فرصتی بزرگ برای ایجاد تغییرات و انجام اصلاحات در کشور است. انتخابات به‌عنوان بستر گشودگی سیاسی، تغییر در تصمیمات و فرایندها و اصلاح کنج‌کارکردی‌ها، اگر گرفتار نگاه‌های متعصب حزبی و جناحی نهادهای ناظر و تصمیم‌ساز نشود، همچنان می‌تواند کار کند.

۶- تغییر در نظم جهانی

افول هژمونی آمریکا با بازگشت به سلطه عریان و سخت و استفاده از زور نظامی نشانه‌هایی برای آغاز تغییرات مهم در نظم دنیا هستند. امروز دیگر نه غرب، غرب ۲۰ سال پیش است و نه شرق. هم‌زمان با دگردیسی مفهوم قدرت، مبادی قدرت جهانی هم در حال تغییر است. این تغییرات البته نباید ساده‌انگانه فهم شود؛ اما اصل تغییر غیرقابل‌تردید است و چنین فضایی امکان کنشگری بیشتری برای ایران فراهم می‌کند.

۷- وفاق سیاسی نسبی در کشور

بر سر کار بودن رئیس‌جمهوری – که علی‌رغم ضعف‌های احتمالی اهل ستیز راهبردی با اصول بنیادین انقلاب نیست و برای مطامع سیاسی چشم روی واقعیت‌ها نمی‌بندد و توانسته است با دو قوای دیگر و بقیه ارکان کشور همدلی قابل‌قبولی فراهم کند- فرصتی مهم در وضعیت کنونی است.

۸- تجربه مدیریتی تحت تحریم

ایران از نخستین روزهای انقلاب اسلامی تحت تحریم آمریکاست و از آغاز دهه ۹۰ شمسی تحت شدیدترین تحریم‌های اعمال‌شده در تاریخ بر یک کشور است. این تحریم‌ها ضربات مهلکی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده و به اعتراف وزیر خزانه‌داری آمریکا اساساً با هدف تولید نارضایتی در ایران وضع شده‌اند؛ اما هم‌زمان با ادامه حیات دادن کشور یک تجربه مدیریتی کم‌سابقه را به وجود آورده است. اکنون مدیرانی در کشور داریم که از آسیب‌های تحریم ناچوانمردانه زخم خورده‌اند و علاقه‌ای به آن ندارند؛ اما با فورت‌وفن مقابله با آن هم آشنا شده‌اند. این تجربه در صورت استمرار و حتی تشدید تحریم می‌تواند مؤثر باشد.

۹- تغییر وضعیت منطقه‌ای و وجود دشمن مشترک

زنج ترامپ – نتانیاهو با بازتعریف مسئله امنیت رژیم صهیونیستی ودگرسازی راهبردی از همه قدرت‌های منطقه‌ای، مناسبات غرب آسیا را تغییر داده‌اند. بسیاری از کشورهای منطقه شاید یک ایران قوی وقدرتمند بیخ‌گوش خودشان نخواهند؛ اما تجزیه ایران هم برایشان مطلوبیت ندارد، چون می‌دانند بعد از خاتمه پروژه ایران رویب آن‌ها می‌رسد. اخیراً ^{۱۱} یکی از مقامات مهم منطقه‌ای به مسئولان ایرانی گفته در فهم این تهدید مشترک با شما هم‌دردیم. چنین وضعیتی و تغییر ادراک راهبردی نسبت به تهدید مشترک می‌تواند فرصت‌های کم‌سابقه‌ای برای ایران پدید آورد.

صورت‌بندی‌تجویزها

مبتنی بر توصیف وضع موجود، فرصت‌ها و تهدیدها و البته نفع و ضرر گروه‌های سیاسی و ترسیم آینده، ۶ دسته تجویز صورت می‌گیرد. صورت‌بندی گروه‌های سیاسی پیش‌تر در یک مقاله تفصیلی با عنوان «جریان سوم، آینده سیاست و عبور از رادیکالیسم» ^۶ به تفصیل و با ذکر حامیان ایده و شخصیت‌های سیاسی هر یک بیان شده و کم‌وبیش آن دسته‌بندی همچنان صادق است. جزئیات آن صورت‌بندی به دلیل پرهیز از اطبان اینجا تکرار نمی‌شود. ۶ دسته تجویز عبارتند از:

۱- بدون اصلاح یا اصلاح حداقلی.

۲- اصلاح در چهارچوب کارگزاران.

۳- اصلاحات همه‌جانبه در سیاست‌ها، روندها و تغییرات در چهارچوب قانون و با حفظ سیرت انقلاب اسلامی.

۴- اصلاحات همه‌جانبه در چهارچوب قانون و با تغییر سیرت انقلاب اسلامی که این ایده خود در سه جریان متمرکز بر سیاست داخلی، متمرکز بر سیاست خارجی و رادیکال‌ها دسته‌بندی می‌شود.

۵- تغییر بنیادین خارج از قانون.

۶- تغییرات بنیادین با دخالت خارجی.

اشکالات تجویزها

۱- حداقلی، نمایشی و فاقد اثر

برخی پیشنهادها اعم از تغییرات در سطح کارگزاران و... ممکن است درست باشد یا نباشد؛ اما دو اشکال عمده دارد؛ اولاً اینکه پاسخ‌گوی سطح مسئله ما نیستند، ثانیاً در این تجویزها ساده‌سازی رخ می‌دهد. برخی اصولگرایان و بسیاری از اصلاح‌طلبان زمانی که در قدرت نیست معتقدند با رفتن جریان حاکم و بر سر کار آمدن جریان آن‌ها مسئله توسعه حل می‌شود. در

نگاه آن‌ها حل مشکلات با زدن یک دکمه قابل‌حل است؛ اما طرف مقابل به دلیل لجاجت، نابدلی یا نفوذی بودن از زدن آن دکمه امتناع می‌کند! این فهم ساده‌سازانه از صورت‌مسئله منجر به ارائه راه‌حل‌های دم‌دمستی، فاقد اثر و بعضاً آلوده به نگاه‌های جناحی و سهم‌خواهانه می‌شود. ازسوی‌دیگر برخی تجویزها مواردی را دبر می‌گیرد که نمایشی، مصرفی و فاقد اثر یا حداکثر دارای اثر زودگذر هستند؛ بازگرداندن فلان خواننده، آزادی فلان زندانی سیاسی و... از جمله این مثال‌هاست.

۲- رادیکال و از بین برنده ماهیت و سرمایه اجتماعی

برخی تجویزها بدون درنظرگرفتن ماهیت انقلاب اسلامی و ایران طرح می‌شود، مثلاً پیشنهادهایی که نتیجه آن کاهش توان دفاعی کشور و عوامل بازدارندگی ایران است یا پیشنهادهایی که تنه‌به‌تنه پیمان ابراهیم ترامپ است، بعضاً از سوی یک جریان سیاسی در قالب‌های مختلف، گاهی صریح و بی‌پرده و گاهی اتوکشیده و در زر ورق تحت‌عنوان ایده ترک تخصص و... (پیش‌فرض چنین تجویزهایی این است که شروع‌کننده تخصص ما بوده‌ایم) مطرح می‌شوند؛ تجویزهایی که نتیجه‌اش کاهش قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ایران و در درازمدت از بین برنده سرمایه اجتماعی کشور هستند.

افق‌گشایی چگونه رخ می‌دهد

شاید مسئله بنیادین در تجویز در حال حاضر فروکاستن راه‌حل‌ها به موضوعاتی کاملاً تاکتیکی، نقطه‌ای و تکنوکراتیک باشد؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد در وهله نخست موضوع، ساخت یک افق و سپس یک چهارچوب قابل‌قبول در حل مسئله است. بخشی از طبقه خشمگین اعتراضی نامی را فریاد می‌زند که در عمل آن را قبول ندارد. آن‌ها در واقع به این مسئله اعتراض می‌کنند که چرا حکمرانی، نخبگان، رسانه‌ها و... نتوانسته‌اند یک افق مطلوب و شدنی ارائه دهند. این افق چه خصلت‌هایی باید داشته باشد؟

۱- روایت جمعی از ایران و انقلاب اسلامی بدون تزوه‌طلبی

وقایع پس از جنگ ۱۲ روزه و حتی رویدادهای دی ماه ۱۴۰۴ نشان داد مسئله ایران، خاک و وطن همچنان عمومی‌ترین استدلال برای همگرایی ایرانیان است. ایران، همه ایران است و برای همه ایرانیان. هر نوع فروکاست ایران به انگاره‌های گمده‌ای و مخفی مثل شکل‌گیری روایت جمعی از ایران است. ازسوی‌دیگر بسیاری از شواهد نشان می‌دهد انقلاب اسلامی با همان شعارهای سال ۱۳۵۷ – البته بدون تزوه‌طلبی و برخورد گزینشی – همچنان مهم‌ترین میثاق ایرانیان است و اگر نقدهایی وجود دارد نه به آرمان‌ها، بلکه به بوروکراسی و کارکردهایی است که میان نمود و بود آرمان‌ها فاصله انداخته‌اند. چسبیدن به بخشی از عهد سال ۵۷ و رها کردن بخش‌هایی از آن رویکردی بوده که بسیاری از گروه‌های سیاسی، حاکمان، دولت‌ها و نخبگان در سال‌های اخیر انجام داده‌اند، توامان دیدن آزادی و عدالت، استقلال و کارآمدی، مردم‌گرایی و اسلام‌خواهی، در نظر و عمل تک‌نسخه ترمیم شکاف‌ها و بازتولید سرمایه اجتماعی و بسط اعتماد، امید و مشارکت است.

۲- ترسیم حکمرانی توسعه‌محور به‌جای بقامحور

انسان انقلاب اسلامی قرار است یک چریک باشد یا یک انسان آر‌مان‌خواه معنوی ضدظلم، دارای روابط اجتماعی و البته اهل زندگی؟ پاسخ به این سؤال بخشی از افق زیستی حکمرانی ما را ترسیم می‌کند. ذهنیت بقامحور، انسان‌گرایی می‌سازد و ذهن تعالی و توسعه، افقی دیگر؟ انتخاب هر کدام اقتضائاتی را در سیاست‌گذاری و اجرا پدید می‌آورد. جمهوری اسلامی به‌مثابه الگویی نوپدید در تحقق ایده مردم‌سالاری دینی که خواست و اراده جمهور از شئونات حکمرانی در آن است، کدام را انتخاب می‌کند؟

۳- ساخت روایت اقصای و ملی از توسعه

فهمی که از توسعه وجود دارد نباید محدود به دستگاه مفاهیم بخشی از مردم باشد. جمهوریت نظام حکم می‌کند حکمرانی کشور بتواند با تولید استدلال عمومی یک قرات نو، جامع، ملی و اقصای از توسعه ارائه دهد. در همه شئون از سیاست خارجی تا فرهنگ و سبک زندگی و مشارکت در سیاست داخلی باید بتوان خوانشی حداکثری از انقلاب اسلامی کرد که مورد پذیرش اکثریت مردم و اجماعی باشد؛ خوانش‌های خاص‌گرایانه و انتزاعی از یک‌سو و خوانش‌های غیرومی و ضدملی ازسوی‌دیگر مخل ایجاد یک اقعاع ملی نسبت به توسعه هستند. بحث درباره نسبت توسعه و استقلال، نسبت برابری و کارآمدی، نسبت معنویت و آزادی‌های اجتماعی از موضوعاتی هستند که حتماً در ایجاد فهم عمومی از توسعه مورد مناقشه خواهند بود و مادامی که عرصه از گفت‌وگو خالی باشد، نمی‌توان انتظار داشت جامعه به مفاهیم‌ای نسبی در این مسائل برسد.

۴- جرئت تغییر روش‌های شکست‌خورده

بازاندیشی و بازخوانی توفیقات و شکست‌های پیشین در تعیین افق پیش رو، راه‌رسیدن به آن و جزو الزامات اصلی است. خواندن تاریخ دور و نزدیک بدون کج‌خوانی ولج‌خوانی و در چنین شرایطی شناسایی روش‌های شکست‌خورده و جرئت اصلاح آن‌ها در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و رسانه امری ضروری است، تغییر و اصلاح در چنین شرایطی نه‌تنها شکست رویکردهای انقلابی نیست، بلکه عین انقلابی بودن است. اگر برجام یک تجربه شکست‌خورده است، اگر گشت ارشاد یک ایده شکست خورده است و... چرا نباید از حکمرانی کنار گذاشته شوند؟

۵- ساخت روایت واقعی از تهدید

شناخت واقعیت تهدید داخلی و به‌خصوص خارجی و ارائه تصویری واقعی از آن بدون اغراق یا کوچک‌نمایی از ضروریات فهم شرایط فعلی و اصلاح ناکاستی‌هاست. تفسیر ما از تهدید خارجی اگر دچار کم‌برآوردی شود ممکن است به برخی اشتباه‌هایی که در سال‌های اخیر – خصوصاً در پس از ۴ اکتبر ۲۰۲۳ رخ داد – دچار شویم و اگر بیش برآوردی صورت بگیرد سبب انفعال و بن‌بست‌نمایی می‌شود.

۶- ساخت روایت واقعی از ظرفیت تدبیر

جامعه باید بداند هم‌زمان با وجود تهدیدها، عقلانیت و تجربه انباشته حکمرانی در کشور توان تدبیر موضوعات را هم دارد. بازنمایی واقعیت ظرفیت تدبیر در کشور بدون سیاه‌نمایی یا خیال‌بافی، جلوی در تله مارپیچ سکوت افتادن نخبگان و در مارپیچ سقوط افتادن عامه مردم را می‌گیرد.

۷- گشودگی سیاسی و اجتماعی در چهارچوب قانون اساسی

ایده‌پیش‌بردن کشور با حلقه‌های بسته و محدود و بستن فضای دموکراتیک برای رفع تهدیدود قرارگرفتن درریل توسعه‌پیشاپیش ایده‌ای شکست‌خورده‌است. توسعه غیراجتماعی به‌سرعت در داخل با نیروی مقاومتی ضدتوسعه‌ای مواجه می‌شود. هر مسیری جز گشودگی سیاسی در چهارچوب‌قانون اساسی موجب‌شکل‌گیری قطب‌های دگر‌خواه‌شدایده اصلی می‌شود. انسجام عمومی را خلدشدار و توان ملی را برای حل مسائل کم می‌کند. از بعد جنگ ۱۲ روزه اصولاً نباید خط‌کشی دیگری جز نیروهای ایران‌دوست و ضدایران در ذهن سیاست‌گذاران باشد.

۸- حذف موضوعات ناولویت‌دار

وقتی بگوییم چند ده چیز در حکمرانی اولویت دارد، یعنی عملاً گفته‌ایم هیچ چیزی اولویت ندارد. کشوری که با تهدیدهای جدی موجودیتی در پشت مرزها و بیرواست باید بداند هر تصمیم و کنشی که مخل یکپار چگی داخلی و کاهش توان ملی باشد ناولویت است. به یک مثال ملموس در ماه‌های اخیر توجه کنید؛ کمتر از یک‌ماه قبل از وقایع دی‌ماه، طیفی از نمایندگان در مجلس پیگیر تصویب یک مصوبه بحث‌برانگیز در خصوص مهریه بودند؛ مصوبه‌ای که کاملاً شفاف جسنیتی در کشور را تعمیق می‌کرد. تقریباً اکثریت مطلق خانم‌ها با هر گرایش سیاسی و فکری آن مصوبه را تحدید حقوقی خود تفسیر می‌کردند. این اتفاق هم‌زمان با پرواز قیمت دلار بود. سرنوشت این مصوبه الان چه شد؟ آن عقل و ذهنی که در آن مقطع پیگیر چنین موضعی بود طبیعتاً امروز باید به‌عنوان ذهن ناولویت‌شناس مورد‌مطالعه قرار گیرد.

۹- بازسازی گروه‌های مرجع توسط نخبگان ملی‌گرا

در دورانی که نظام ارتباطی مسلط، خود مرجعی، ساخت محیط‌های ایزوله برای فهم عمومی و تویتری‌شدن و ایثایی‌شدن سیاست را تحمیل می‌کند، عمق بخشی به ارتباطات و مفاهمه، عبور از کلونی‌ها، مرکزیت یافتن گفت‌وگو، شکست دوقطبی‌ها و بازسازی گروه‌های مرجع ملی‌گرا می‌تواند جلوی رادیکالیسم را بگیرد و به افق‌گشایی نسبت به امر ملی کمک کند.

۱۰- مرکزیت نیافتن سانتیما‌تالیسم و دوقطبی‌زی‌ها

در شرایط تهدید حداکثری و نیاز به انسجام اجتماعی، از یک‌سو ایده‌هایی که سمت‌وسوی حاکمیت را در سیاست خارجی و داخلی به سمت الگوهای شکست خورده و نواقع‌گراسوق می‌دهند و ازسوی‌دیگر جریان‌های رادیکالی که عموماً هیچ ایده ایجابی‌ای ندارند، تندباز و دوقطبی‌زی هستند نباید مرکزیت پیدا کنند.

۱۱- ترسیم تصویری دولتی

دولت به معنای عام کلمه یعنی استیت شامل قوای سه‌گانه و بخش‌های اصلی حاکمیت در شرایط ویژه، باید عاملیت حداکثری داشته باشند. در شرایط کنونی ادبیات تقویض اختیار، برون‌سپاری، کوچک‌سازی دولت و... به‌جای آنکه معنای مثبت به ذهن متبادر کند، معنای شانه از زیربار مسئولیت خالی کردن و بی‌دولتی را به ذهن متبادر می‌کند.

۱۲- حل ناترازی رسانه‌ای

برای ترسیم افق ملی نیاز به گفت‌وگو میان مردم و حاکمیت، مردم و مردم، نخبگان و مردم و نخبگان و حاکمیت وجود دارد، اشتباه است اگر فکر کنیم به‌صرف گسترش تکنولوژی‌های رسانه‌ای موانع این گفت‌وگو‌ها برطرف می‌شود. در فقدان وجود رسانه ملی و عمومی می این ۴ سطح گفت‌وگو را شکل دهد، گسترش تکنولوژیک و بسط میکرومدیاها و انسان‌رسانه‌ها ممکن است در ظاهر متکثر شدن فضا را نشان بدهند؛ اما در عمل سبب ناترازی رسانه‌ای می‌شوند، صدایی که بلند باشد؛ اما به جایی که باید نرسد، تبدیل به خشم می‌شود. وقتی رسانه عمومی کار نکند، صدای بی‌صدایان یا تحریف می‌شود یا در آن‌سوی مرز مرجعیت می‌یابد. ناکارایی رسانه عمومی و در رأس آن رسانه ملی و تبدیل شدن به باتوق مخفی‌ها، تشدیدکننده این ناترازی و منتع کردن امر ملی و هر نوع افق‌گشایی است.

پی‌نوشت:

- https://farhikhtegandaily.com/news/219112/%D8%A7%D8%B2-%D8%B1%D8%AF%D985-%D982%D8%AF%D8%B4%D986%D8%B3%D8%B8C-%D986%D8%B1%D8%AF%D987%E28%80C%D8%A7%DB%8C%D985%/
- شبکه‌های خشم و امید، مانول کاستلر، نشر مرکز
- https://castbox.fm/episode/%DA%98%D8%A7%D8%A8%D988%D8%AA%DB%8C%D986%D8%B3%DA%A9%DB%8C%D88%C-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D985%D8%B9%D986%D988%D8%A%D8%A%D8%86%D986%D8%8C%D987%E28%80C%D985%/country=us
- https://farhikhtegandaily.com/news/218379/%D8%B4%D8%A7%D987%D986%D8%A7%D985%D987%D8%9B-%D985%D8%A7%D986%DB%8C%D981%D8%B3%D8%AA-%D8%A7%DB%8C%D8%AF%D987-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D986%/
- تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، رانلد اف اینگلهارت، نشر کویر
- مقاله «جریان سوم، آینده سیاست و عبور از رادیکالیسم»، ویژه‌نامه «آینده ایران»، «فرهیختگان»، آذر ماه ۱۴۰۳

شود؛ اما پیام دوم ناپدیدگرفته‌شود، سرمایه اجتماعی به‌مرور فرسوده خواهد‌شد. ۲۲ بهمن امسال را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد: سطح امنیتی – راهبردی: نمایش انسجام در برابر فشار خارجی سطح اجتماعی: فعال‌شدن لایه‌ای فراتر از بدنه سنتی سطح حکمرانی: فرصتی برای بازتعریف رابطه دولت – ملت مسئله اصلی نه تعداد جمعیت، بلکه کیفیت پاسخ به این حضور است. اگر این رویداد به نقطه‌ای برای اصلاح، گفت‌وگو و ارتقای کارآمدی تبدیل شود، می‌تواند یک «چرخش اجتماعی مثبت» ایجاد کند. اما اگر صرفاً به‌عنوان یک موفقیت نمادین ثبت نشود، ظرفیت تاریخی آن از دست خواهد رفت. ایران امروز در آستانه یک انتخاب است و شاید ۲۲ بهمن امسال، نشانه‌ای بود از اینکه جامعه نیز این انتخاب را جدی گرفته است.

فرهینجنگان

۳۰۳



شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴



شماره ۴۶۲۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

ادامه از صفحه ۲

۲۲ بهمن امسال فراتر از یک مراسم

ادامه از صفحه یک